

«علم الانشاء» در یک بخش، کاربردش در حوزه مسائل حقوقی و قضایی و مالی است و این مربوط به تنظیم اسناد است که ما امروزه آن را در دفاتر ثبت ملاحظه می‌کنیم. در آن روزگار که برخی از مسائل حقوقی ویژه وجود داشت، بر عالمان علم الانشاء بود تا سرمشق‌های مربوط به آن مسائل را مانند مسائل دیگر انشاء کنند تا تمامی اطراف مسأله در آن لحاظ شده و مشکل حقوقی پیش نیاید. برای مثال در امر نکاح و طلاق، خرید و فروش، وصیت‌نامه، شراکت‌نامه، حضانت‌نامه و صدها عنوان دیگر سرمشق‌هایی تنظیم می‌شد، آن‌گونه که تمامی مبانی فقهی - حقوقی مربوطه در آنها رعایت شده باشد. در آن روزگار، یکی از مسائل جاری «فک رقبه» یا آزاد کردن بندگان بود، امری که قرآن در چندین مورد روی آن تأکید کرده و ده‌ها روایت در فضیلت آن وارد شده است. برخی برآن اند که خداوند متعال با این حکم بر آن بوده است تا در امت ختمی مرتبت، به تدریج، ریشه بردگی کنده شود یا دست کم تلطیف یابد. به هر روی، بردگی در ساختار اجتماعی - اقتصادی مردم بوده و مثل بسیاری از مسائل دیگر، در بزرگ‌ترین دوره‌های تاریخ، از لوازم لاینفک زندگی بشر بوده است. چیزی که امروز به نوع بلکه انواع دیگر رایج است. به هر روی، آزادی بندگان و فقه مربوط به آن در «کتاب العتق» مورد بحث قرار می‌گرفت و وقتی جنبه حقوقی به خود می‌گرفت، به این معنا که می‌بایست آن احکام فقهی در قالب قوانین حقوقی جاری مبنای کار قضات و حکام قرار گیرد، لازم بود تا در وقت آزادی متنی تنظیم شده و حدود و قیودی در آن وارد شود تا راه را بر هر نوع بازگشت برده به بردگی ببندد. دلیل این امر نیز جنبه مالیت آن بود و به دلیل گرانی برخی از بندگان، ممکن بود که بعد از مدتی شخص آزادکننده پشیمان شده یا ورثه او ادعایی داشته باشند.

سرخط آزادی

(سرمشق فارسی آزادنامه بندگان در دوره قاجار)

* رسول جعفریان

(دانشکده ادبیات دانشگاه تهران)

چکیده: یکی از کاربردهای علم الانشاء در حوزه تنظیم اسناد مربوط به مسائل حقوقی، قضایی و مالی بوده است. علم الانشاء سرمشق‌هایی در مورد این مسائل ارائه می‌کرد تا جمیع مبانی فقهی و حقوقی مربوط در آنها رعایت شود. یکی از این مسائل «فک رقبه» یا آزاد کردن بندگان بوده است. آزادی بندگان در منابع فقهی در کتاب العتق مورد بحث قرار می‌گرفت، اما از نظر حقوقی، هنگام آزادی، باید سندی تنظیم می‌شد و حدود و قیودی در آن تعیین می‌گردید تا راه را بر هر نوع بازگشت برده به بردگی ببندد. در این مقاله شش نمونه سرمشق آزادنامه، از دوره قاجاریه، بر اساس کتاب وجیزه التحریر (نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۸۸۹۵) ارائه می‌شود.

در این سرمشق‌ها که گاه بخشی از آنها یک شکل و با یک عبارت است چند ویژگی وجود دارد:

- الف) مقایسه بندگی خدا با بندگی انسان.
- ب) استناد به آیه فک رقبه و حدیثی در این باره.
- ج) تأکید بر آزادی برده.
- د) ذکر نام «عبدالله» برای برده آزاد شده.
- ه) انگیزه الهی و قصد قربت برای آزاد کردن برده.
- و) آوردن واژه «فلان» به جای نام آزادکننده و آزاد شونده.
- ز) عدم تفاوت میان آزاد کردن بندگان و کنیزکان.

کلید واژه: علم الانشاء؛ اسناد حقوقی؛ فک رقبه؛ آزادنامه؛ آزادنامه؛ غلام؛ آزادنامه؛ وجیزه التحریر؛ قاجار.

* دکترای تاریخ؛ استادیار دانشگاه تهران.

به هر حال، برای این کار سرمشق‌هایی تنظیم می‌شد که ضمن توجه دادن به مبانی دینی و ارزش اخلاقی و انسانی آزاد کردن بردگان به این حدود می‌پرداخت.

در اینجا شش نمونه از این سرمشق‌ها را با استفاده از کتاب و جیزةالتحریر خدمت دوستداران ارائه می‌کنیم. به احتمال زیاد این سرمشق‌ها مربوط به دوره قاجاری است. جز این، در انتهای مقاله دو آزادنامه از دوره صفوی از کتاب منشآت سلیمانی، که با و جیزةالتحریر در یک مجلد صحافی شده است، آورده می‌شود (کتابخانه مجلس، ش ۸۸۹۵). در شماره نخست مجله پیام بهارستان، سرکار خانم صیدیه، چند نمونه از آزادنامه‌های جدی را که توسط علامه مجلسی نیز تأیید شده بود چاپ کردند که این مجموعه با کمک آنها می‌تواند راه را برای تحقیق بیشتر در این زمینه هموار سازد. به طور کلی چندین مفهوم کلیدی را در این قبیل سرمشق‌ها که گاه بخشی از آنها کاملاً یک شکل و با یک عبارات است، می‌توان ملاحظه کرد:

الف. مقایسه بندگی خدا با بندگی انسان و این که بندگی اصیل انسان برای خداوند است و آنچه جز آن است نوعی امر قراردادی است. در عین حال در مفهوم عبودیت الهی تأکید می‌شود که آن نه بندگی بلکه عین حریت است، «نقش بندگی او سرخط آزادی احرار» است. این نکته گاه به این تفسیر بیان می‌شود که برای تأکید بر بندگی خداوند، آزاد کردن بنده یک ابزار مناسب است:

«چون غرض از خلقت آدمیان و باعث بر ایجاد آدمیان آن است که کمر خدمت و بندگی مولای حقیقی جل‌شأنه بسته، طریق اطاعتش به قدم اخلاص پویند و به وسیله انواع عبادات و ذریعة اقسام حسنات به درگاه عزتتش تقریب جویند، از آن جمله تحریر رقاب است که اعتناق بر آن منوط و آزادی دو جهان بر آن مربوط است». ب. استناد به آیه و حدیث؛ آیت «فک رقبة» و حدیث

نیز یکی از چند حدیثی که در این باره وارد شده و مفهوم آن چنان است که آزاد کردن بردگان، در حکم رها کردن بندگان از آتش دوزخ و تضمین شفاعت برای آنان است.

ج. تأکید بر این اصل که از امروز این برده آزاد است و زان پس «احدی را بروی دعوی رقیّت و ادعای عبودیت نیست». این امرگاه روشن‌ترین شده و تأکید می‌شود که «احدی را از اولاد و وراثت بر او دعوی رقیّت و ادعای عبودیت نیست». **د.** در دو مورد تأکید بر این شده است که برده آزاد شده زین پس نامش «عبدالله» است و این تأکیدی است بر این که او دیگر بنده دیگری نیست.

ه. این آزاد کردن معمولاً با انگیزه الهی و قصد قربت انجام می‌شود و حتی عبارت «اعتقه قرابة إلى الله تعالی» در بالای آزادنامه آورده می‌شود. اما مواردی که عنوان کفاره دارد، آن هم قید می‌شود:

«بنابر آن قرابة إلى الله تعالی و كفارة للذنوب و الخطايا فلان نام غلام خاصه شریفه را در سلک احرار انتظام و در زمره آزادکردگان مراحم خسروی مأوی و مقام داده».

گاهی نیز ثواب آن برای مرحوم یا مرحومه‌ای حواله می‌شود. و هیچ تفاوتی میان آزاد کردن بردگان یعنی مردهای برده و کنیزکان یعنی زنان برده وجود نداشته و بنا به میل صاحبان آنان آزاد می‌شده‌اند. دو مورد اخیر از هشت مورد مذکور در اینجا، مربوط به آزادی کنیزکان است که یک مورد آن دختری گرجی و ۲۵ ساله است. در این آزادنامه، حتی وصف صورت و قیافه این کنیزک گرجی هم آمده است: «یک نفر جاریه صالحه سرخ و سفید چهره، میانه بالای، میش چشم، ابروگشاده، فلان نام، گرجی الاصل، تخمیناً بیست و پنج ساله تقریباً إلى الله و طلباً لمرضاته».

ز. در سرمشق‌های موجود نام آزادکننده و آزادشونده نیامده و کلمه «فلان» جای آن گذاشته شده است. این در حالی است که در اصل آزادنامه‌ها نام هر دو ذکر می‌شده است.

نماید باطل و عاقل و آزاد رجه اعبار و اعناده ساطع و هابط خواهد بود و صبه که شد عزیر بر فلان
 مذرغ من تبعه فی اذان صباح بله الأربنه من ابائی شهر جادی الثانی من شهر ربه من شهر ربیع
 و ما بنی بعد الايام من العیزه المدهسه التوبه علیها یوهنا الذین شاکوا
 و کتب هذا اجمعها جیسا لان الحمدیه وصفان القمه
 الذی کاتلطفه قبل هذه الايامه انم و عابنه
 قبل ملک الادونه انم الایام اخله کاتل
 و بقره المواظقی فی النسخه الی اللغه

انجامه و جیزةالتحریر، ۱۳۳۵ و کتابخانه مجلس، ۱۸۸۵.

۱. آزادنامهچه

أَقْرُ وَاَعْتَرَفَ بِالْعَتَقِ الْمَذْبُورِ كَمَا رَقِمَ وَ زَبَرَ فِيهِ لَدَى، وَ جَرَّتِ الصِّيغَةُ الشَّرْعِيَّةُ بِمَحْضَرِي وَ كَتَبَ الدَّاعِي فِي ۲ شَهْرِ فُلَانِ.

أَعْتَقَهُ قَرَبَةً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

سپاس بی قیاس و ستایش عبودیت اساس، حضرت مالک الرقابی را سزاست که نقش بندگی او سرخط آزادی احرار و نقد عبادت او سرمایه رستگاری ابرار است. و درود بی غایت و تحیات بی شمار سید مختار و ائمه اطهار را زیباست که بندگان مطیع و عاصی را در عقبی شفیع و دستگیرند؛

و بعد، چون به مقتضای کریمه ﴿فَلَا أَقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ﴾ (البلد: ۱۱ - ۱۳) و به مؤذای مرویه «من أعتق رقبة مؤمنة، أعتق الله تعالى بكلِّ عضو منها عضواً من النَّار»^۲ اعتناق رقابت مؤمنات باعث رفع درجات و سرمایه ۲۳۳۲/ حسنات است، بیت:

فیض دولت یافت هر کو خاطری را شاد کرد

نیک روز آن مقبلی کو بنده ای آزاد کرد

لهذا به یمن دولت ازلی و امداد سعادت لم یزلی آزاد گردانید و در سلک احرار منخرط ساخت، فلان فلان را که رقبة رقیّت او در ربقة ملکیت مشارالیه انخرط و انضباط داشت، بعدالیوم آزاد است و احدی را بر وی دعوی رقیّت و ادعای عبودیت نیست، تحریراً.^۳

۲. آزادنامهچه غلام

أَقْرُ وَاَعْتَرَفَ مَعْرُوفاً بِتَمَامِ مَا زَبَرَ وَ رَقِمَ فِيهِ لَدَى، وَ جَرَّتِ الصِّيغَةُ الشَّرْعِيَّةُ بِمَحْضَرِي وَ كَتَبَ الدَّاعِي فِي ۲ شَهْرِ فُلَانِ سَنَةِ.

الحمد لله الذي اعتق رقاب العباد بتوفيق هدايتهم إلى سبيل السداد والصلوة على النبي محمد الهادي طريق الخير والرشاد وآله المعصومين، لهم امداد الخلايق بالإسعاد وسلم تسليمًا كثيرًا كثيرًا إلى يوم التناد.

۲۴۰/ اعتقك الله قربة إلى الله

اما بعد، به مضمون صدق مشحون «من أعتق مسلمة مؤمنة أعتق الله العزيز الجبار بكلِّ عضو منها عضواً من النار»^۴ فلان کس فلان غلام خود را آزاد گردانید و رقبة او را از قید رقیّت خلاصی داد و خارج گردانید، خالصاً لوجه الله تعالی

و طلباً لمرضاته، و او عبدالله است و من بعد او را عبدالله نامند و بعدالیوم احدی را با او دعوی رقیّت و ادعای عبودیت نیست، و صیغه گفته شد.^۵

۳. آزادنامهچه

أَعْتَرَفَ مَعْرُوفاً بِالْعَتَقِ الْمَذْبُورِ كَمَا رَقِمَ فِيهِ لَدَى وَ جَرَّتِ الصِّيغَةُ الشَّرْعِيَّةُ وَ كَتَبَ الدَّاعِي فِي ۲ شَهْرِ فُلَانِ سَنَةِ.

چون غرض از خلقت آدمیان و باعث بر ایجاد آدمیان آن است که کمر خدمت و بندگی مولای حقیقی - جل شأنه - بسته، طریق اطاعتش به قدم اخلاص پویند و به وسیله انواع عبادات و ذریعه اقسام حسنات به درگاه عزتس تقریب جویند، از آن جمله تحریر رقاب است که اعتناق اعناق بر آن منوط و آزادی دو جهان بر آن مربوط است.

بناءً علی هذا، فلان، قربة إلى الله و طلباً لمرضاته، طوق بندگی از گردن فلان برداشت و او را از قید رقیّت خلاص و در زمرة احرار اختصاص داد.

من بعد به هر جا که خواهد کسائر العتقاء رود و آید، احدی را از اولاد و وراثت بر او دعوای رقیّت و ادعای عبودیت نیست، و صیغه گفته شد.

أَعْتَقَهُ قَرَبَةً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى كَمَا زَبَرَ وَ رَقِمَ وَ سَطَرَ عَلَى الْفَوْقِ.^۶

۴. آزادنامهچه

چون به مقتضای کریمه ﴿فَلَا أَقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ﴾ (البلد: ۱۱ - ۱۳) و به مؤذای مرویه «من أعتق رقبة مؤمنة أعتق الله تعالى بكلِّ عضو منها عضواً منه من النَّار»^۷ اعتناق رقبات مؤمنین و مؤمنات باعث رفع درجات و سرمایه کسب حسنات است، نظم:

فیض دولت یافت هر کو خاطری را شاد کرد

نیک روز آن مقبلی کو بنده ای آزاد کرد

به یمن دولت ازلی و امداد سعادت فطری آزاد گردانید و در سلک احرار منخرط ساخت، فلان فلان را که رقبة رقیّت او در ربقة ملکیت مشارالیه انخرط و انضباط داشت، من بعد عبدالله است، به هر جا که خواهد رود و آید؛ و صیغه گفته شد.^۷

۲ میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ق، ۱۵: ۴۵۱ (از عوالی اللآئی نقل کرده است).

۳ وجیزة التحرير، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۸۸۹۵، کتابت ۱۲۴۵ق، ص ۲۳۱ - ۲۳۲.

۴ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید، به کوشش سید حسن موسوی خراسان، ج ۴. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵، ۸: ۲۱۶.

۵ وجیزة التحرير: ۲۳۹ - ۲۴۰. همان: ۲۴۱. همانجا: ۷.

۵. آزادنامهچه

أعترف معروفاً بالعتق المزبور كما رَقَم فيه لدى و جَرَت الصيغة الشرعية و كتب الداعي في دويم شهر فلان سنة.

أعتقه قربةً إلى الله تعالى

حمد بی حد و ستایش لایحصى و لایعد حضرت مالک الملکی را - جلّت عظمته - رواست که تقلّد طوق عبودیتش منتجّ حرّیت ابدی است و تسلیم فرمان ربوبیتش مستلزم سعادت سرمدی؛ و درود بی نهایت و تسلیمات بی غایت نثار روضه سید ابرار و مولای احرار، سرور اخیار، طیب علت گناه، شفیع سفید و سیاه، حضرت محمد رسول الله - صلّى الله عليه و آله -، و بر آل اطهار و اولاد امجاد ابرار آن بزرگوار باد، خصوصاً امیر کلّ امیر و وصیّ یوم غدیر، دلیل طریق رشاد، پیشوای بنده و آزاد، شمع انجمن ارتضا حضرت علی مرتضی - صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین -،

اما بعد، چون غرض از خلقت بندگان و باعث بر ایجاد آدمیان آن است که کمر خدمت و بندگی مولای حقیقی - جلّ شأنه - بسته، طریق عبادتش به قدم اخلاص پویند و به وسیله انواع عبادات و ذریعه اقسام حسنات به درگاه عزّتش تقرّب جویند، و از آن جمله تحریر رقاب است که اعتناق اَعناق بر آن منوط و آزادی دو جهان بر آن مربوط است، بناءً علی هذا، فلان، قربةً إلى الله و طلباً لمرضاته، طوق بندگی از گردن فلان برداشت که مانند آزادگان به هر جا که خواهد رود و آید، بعد الیوم احدی را بر او ادعای رقیّت و دعوی عبودیت نیست. و صیغه گفته شد، تحریراً.^۸

۶. آزادنامهچه

كما زبر و رَقَم و سَطَر علی الفوق.

چون از میامن مراسم داور بنده پرور و برکت انتساب به خاندان خیر البشر - علیه صلوات الله الملك الاکبر - در این سده سدره مهبانی سلاطین را رتبه بندگی، و خرد و بزرگ را داغ نقش پیشانی، و عموم جهانیان حلقه غلامی این درگاه را آویزه گوش جان ساخته و کافه عبّاد به طوق عبودیت این آستان گردن آزادگی برافروخته و به مضمون صدق مشحون ﴿فَلَا أَقْتَحِمُ الْعَقَبَةَ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ﴾ اعتناق بندگان موجب آزادی کونین از ذنوب و معاصی و رفع سلسله رقیّت از رقبات سلاله عبّاد باعث

رستگاری ﴿يُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْاِقْدَامِ﴾ (رحمن: ۴۱) می باشد، ما نیز بر ذمّت همت خسروانه لازم فرموده ایم که همیشه طالب رضای مولای حق و جویای خوشنودی مالک الرقاب مطلق بوده، قید بندگی از گردن بندگان برداریم و این معنی را در درگاه پادشاه حقیقی سرخط آزادی خویش شماریم. بنا بر آن قربةً إلى الله تعالى و كفارة للذنوب و الخطايا، فلان نام، غلام خاصه شریفه را در سلک احرار انتظام و در زمره آزادکردگان مرحم خسروی مأوی و مقام داده، توسن نفس او را مطلق العنان فرمودیم که هر جا که خواهد رود و آید. و صیغه گفته شد، تحریراً فی.^{۱۰}

* * *

۱. آزادنامه

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام علی خير خلقه محمد و آله اجمعين؛

اما بعد، باعث بر تحریر این حروف شرعیّه آن است که اعتناق گردانید فلان بن فلان به رضا و رغبت یک نفر کنیز ۹۷/ بلندبالای سیاه چشم سرخ چهره که تخمیناً بیست ساله می باشد، اعتقایی صحیح شرعی و اقرار کرده سبیل معتقّه مذکوره طریق حرّ است، نه او را و نه غیر او را از قبل او بر معتقّه مذکوره دعوی رقیّت و مملوکیت نمانده و نیست، فلها ما للحریر و علیها ما علی الحریر، و لا سبیل الولاء للمعتقّة المشار إليها كما هو مقتضى الشريعة الغراء، تحریراً.^{۱۱}

۲. آزادنامه

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام علی خير خلقه محمد و آله اجمعين؛

اما بعد، غرض از تحریر این سطور شرعی اسلامی آن است که آزاد و حرّ مرفوع القلم نمود حضرت عصمت پناه عفت دستگاه زبده المخدرات عصمة الدنيا و الدین - دامت عصمتها و عفتها - فلانه باجی عتیقه عالیجناب غفران پناه رضوان دستگاه نتیجه الامراء و السلاطین، نظاماً لایاله و الشوكة و الحشمة و العدالة و الاقبال، فلان میرزا - طاب ثراه و جعل الجنة مثواه - از مال خالص خود یک نفر جاریه صالحه سرخ و سفید چهره، میانه بالای، میش چشم، ابروگشاده، فلان نام، گرجی الاصل، تخمیناً بیست و پنج ساله تقریباً إلى الله و طلباً لمرضاته، و ثواب آن را در حق نواب

^۹ اصل: خورد.

^۸ وجیزه التحریر: ۲۴۲.

^{۱۰} وجیزه التحریر: ۲۴۲.

^{۱۱} منشآت سلیمانی، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۸۸۹۵، کتابت ۱۲۴۵ق، ص ۹۶-۹۷.

همراهش بوده می گوید تا آزادنامه چه ای برای آنان بنویسد. بهتر است عبارت خود جناب فرهاد میرزا را بخوانیم:

«امروز در کتاب منہج السالکین که دعوات روز عرفه می خواندم، خواندم که در این روز بنده آزاد کردن ثواب عظیم دارد، که باعث آزادی از نار جحیم و عذاب الیم است. به والده احتشام الدوله گفتم: «به قدر قوه و استطاعت مهما امکن در اعمال خیر اهتمام کرده ایم که ان شاء الله این اعمال قلیل در درگاه رب العزه قبول افتد. بنده آزاد کردن نیز از مستحبات مؤکده است، طلباً لمرضاته از کاکاها آزاد کنیم.» ایشان نیز قبول کردند. سلمان آشین، گلپهار کوچ او و سلمی دختر او را آزاد کردیم. به ملاباشی گفتم، همان روز آزادنامه آنها را نوشت. یادم آمد که حضرت امیرالمؤمنین - صلوات الله و سلامه علیه - چه خوب مرقوم فرموده اند: یا قنبر کنت بالامس لی، فرصت الیوم مثلی وهبتک لمن وهب لی».^{۱۳}

بلقیس مکانی فاطمة الدورانی، خدیجة الزمانی، عصمة الدنیا و الدین، فلانه - دامت عصمتها و عفتها - قربت کرد و آزاد کردن درست صحیح شرعی اسلامی، چنانچه بعدالیوم عصمت مآب مشارالیها و ولدان او را و هیچ آفریده را به علت بندگی با معتقہ مشارالیها طلبی و حقی نیست و اگر نمایند شرعاً معتبر ندانند. «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ» (بقره: ۱۸۱) و کان ذلك فی شهر فلان سنة فلان.^{۱۲}

ختمه مسک

مقاله را که نوشتم، نکته ای را در سفرنامه فرهاد میرزا دیدم. وی در اعمال حج و درست در روز عرفه، وقتی روایت آزادی برده ها و ثواب مترتب بر آن را می بیند بلافاصله دست به کار شده سه برده خود را آزاد می کند. اما مهم آن است که همان جا از ملاباشی که به عنوان روحانی

^{۱۲} منشآت سلیمانی: ۹۷.

^{۱۳} فرهاد میرزا معتمدالدوله، سفرنامه فرهاد میرزا. به تصحیح غلامرضا طباطبائی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۶: ۲۰۱.

Model of Emancipation Documents in persian Language in Qājār Period

Dr. Rasoul JAFARIYAN
(Tehran University)

One of the important applications of classical Persian stylistics is to teach the composition of official legal, judicial, or financial documents. Stylistic manuals provided different sample documents about such matters in order to help users observe all relevant juridical and legal features in them.

Emancipation of slaves is usually discussed in section of the same name in classical Islamic law books. It was customary to prepare an official document that would prevent the revocation of the slave's freedom for any reason subsequent to his emancipation.

Six samples of such emancipation documents from the Qājār period are extracted from the Majlis Library copy of *Vajīẓat al-Tahrīr* (MS. no. 8895). These samples, some of which have almost identical wording, share several features.

- Comparing man's servitude to God with the state of servitude to other men.
- Supporting the act of emancipation by Quranic verses and by religious traditions.
- Stressing the fact of the slave's emancipation.
- Referring to the slave by the name "servant of God" (ʿAbdollah).
- Emphasizing the religious meritoriousness of emancipating slaves that aims to bring the emancipator closer to God.
- Referring to the emancipator and the freedman by the term "so and so".
- Specifying that there is no difference between freeing male or female slaves.

۲۴۲

آزاد ناپچه محمد بن حسن و سنا پیش لاجبھی ولا بعد حضرت مالک الملکی را حکایت عظیمه رواست که نقل
 طوق عبودیتش منیع حیرت ابدیت و تلمیح فرمان بویقینش سکنم سعادت سمردی و درود بی نهایت ^{لایمنا}
 بی نهایت نثار و صند سبدا برادر مولای احرار نیز در اخبار طیب عن کاه شفیع سفید سپاه حضرت محمد ^{الله}
 و بر آل اطهار و اولاد اجداد برادر آن بزرگوار با خصوصاً امیر کل امیر و وصی یوم غدیر و دلیل طریقی رشاد
 پیشوای بنده و آزاد شمع انجمن ارضنا حضرت علی مرتضی صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین اما بنده
 چون عرض از خلقت بندگان و باعث بر ایجاد آد میان آنست که گر خدمت بندگی مولای حقیقی جل شانہ
 بشه طریق عبادت بش بعدم اخلاص بومید و بوسیله انواع عبادان و ذریعه اشام حسان بدرگاه ^{نیش}
 مغرب جویند و از آنجمله غمخ پر رنابت که اعناق اعناق بر آن منوط و آزادی دو جهان بر آن مربوط است
 بناء علی هذا فلان فریبه الی الله و طلبنا لمصانه طوق بندگی از کردن فلان برداشت که مانند آزادگان
 بهر جا که خواهد رود و آید بعد اکوم احد بر ابر و ادعای رفیت و دعوی عبودیت نیست و صیغه گفته شد
 آزاد ناپچه چون از آنها من مرام داور بنده پرور و بر کائنات بنا بندگان خیر البشر علیه صلوات الله الملک الاکبر درین
 سده سده مبنای سلطنت رابنه بندگی و خورد و بزرگ دادغ نقش پیشانی و عموم جهانان طیفه غلامی این
 درگاه را آویزه گوش جان ساخته و کاتر عباد بطوق عبودیت این آستان کردن از ادکی برافراخته و معصوم ^{صدی}
 مشون فلا انهم العبد و ما ادربک ما العبد فک رقبه اعناق بندگان و جیاد کی کوی از ذنوب و معاصی و بیخ
 سلسله رفت از رفیان سلاله عباد باعث رسکاری بؤخذ بالواصی بالاندام میباشند ما بن بزمت ^{نعمها}
 لازم نموده ایم که همیشه طالب رضای مولای حق و جوبای خوشودی مالک الزنا بطلق بوده نهد بندگی از کرد
 بندگان بردایم و اینمعی و ادرد درگاه پادشاه حقیقی مرخط آزادی خویش شماریم تا بر آن فریبه الحاله تعالی رکها و
 لذت نوب و الحظ با فلان نام غلام خاصه شریفه زاد رسک احرار استقام و در زمره آزاد کردگان مرام خرمی ای
 و مقام داده نوس نفس او را مطلق المنان فرمودیم که هر جا که خواهد رود و آید و صیغه گفته شد بخبر برانی
 صبا بجه لا رضر عباد محمد و التاء باعث بر غمخ پروریم اینکلمان شرعیه الملائک واضحه المادی و التها بالانکه

اعترف معروفنا بالعتق المزبور کما درم
 فيه لدى و جرت الصیغه الشرعیه
 و کتب الداعی فی دویم شهر فلان سنه
 اعفنه ذنبه الی الله تعالی

کما نیز در دویم سطر علی الصقوت

اعترف معروفنا بتمام ما زید در دویم بند لاری
 و جرت الصیغه الشرعیه کتب الداعی فی فلان
 اقرار با صیغه شرعیه و صیغه ممود
 بیت